

جهان آرا

جستارهایی از زندگی و خاطرات

شهید سید محمد علی جهان آرا

علی اکبری مزدآبادی



سرشناسه: اکبری، مزدآبادی، علوی، ۵۸
عنوان و نام پدیدآور: جهان آرا؛ جستارهایی از زندگی و خاطرات شهید سید محمدعلی جهان آرا/ علی اکبری مزدآبادی.
مشخصات نشر: تهران: نشریا زهرا (س)، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۳۱۲ ص، ۱۴/۵×۲۱/۵.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۹۲-۷۳-۵
وضعیت فهرست نویسی: فیا
عنوان دیگر: جستارهایی از زندگی و خاطرات شهید سید محمدعلی جهان آرا.
موضوع: جهان آرا، محمدعلی، ۱۳۶۰-۱۳۳۳.
موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷-۱۳۵۹ -- شهیدان -- سرگذشتنامه
موضوع: Biography -- Martyrs -- Iran-Iraq War, 1980-1988
موضوع: شهیدان -- ایران -- بازماندگان
موضوع: Survivors -- Iran -- Martyrs
رده بندی کنگره: DSR۱۶۲۶
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۲۳۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۹۸۳۶۲



جهان آرا

جستارهای از زندگی و خاطرات شهید سید محمد علی جهان آرا

علی اکبری مزدآبادی

ویراستار: محمد علی صمدی

ناشر: یا زهرا (سلام الله علیها)

نوبت انتشار: یکم - زمستان ۱۳۹۸

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۹۴-۷۳-۵

لیتوگرافی: سینا

چاپ چهاررنگ: معاصر

چاپ تک رنگ و صحافی: نگارش

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

نشانی: تهران، میدان انقلاب اسلامی، خیابان شهدای ژاندارمری

پاساژ ناشران و کتاب فروشان کوثر، شماره ۱

تلفن: ۶۶۹۶۲۱۱۶ - ۶۶۴۶۵۳۷۵

فهرست

یادداشت مؤلف:	۸
فصل یکم: به روایت هم‌زمان	۱۳
نعمت‌زاده و جهان‌آرا	۱۵
گروه حزب الله	۱۷
یک لیوان آب	۲۵
زندگی در شرایط سخت	۲۶
برادرم محمّد	۳۰
غائله‌ی خلق عرب	۳۹
دیپلمات مست و جهان‌آرا	۵۱
مگر ما مُردیم؟	۵۴
سپاه شادگان	۵۶
فرمانده‌ی نگهبان	۵۹
حقوق نگیرید!	۶۱
پادرمیانی	۶۲
برو بیرون!	۶۸
حق نداشتی بزنی!	۷۰
اشدا علی الکفار	۷۲
خدایا توبه!	۷۵
تحركات قبل از جنگ	۷۸
جنگ تن و تانک	۸۳
ما متحیر هستیم!	۸۹
بنی صدر خائنه!	۹۱

۹۳.....	چه باید کرد؟
۹۷.....	خدا کمک می کند
۱۰۲.....	خرم شهر کربلاست
۱۰۴.....	باید مقاومت کنیم
۱۰۸.....	مراقب خواهرها باش
۱۰۹.....	احوال یک زخمی
۱۱۲.....	ما هستیم و خدای ما
۱۱۵.....	خجالت نمی کشید؟
۱۱۷.....	رب امام را چه بدهیم؟
۱۲۰.....	بوی خیانت
۱۲۴.....	عرب تنها
۱۲۶.....	مسلمانان دادند جوانان
۱۲۸.....	ان شاء الله بالتوفیق
۱۳۰.....	پا به پای دمه
۱۳۵.....	یک مأموریت
۱۳۷.....	فرمانده دل ها
۱۳۹.....	شوخی یا فرمانده
۱۴۱.....	دلم آشوب می شود
۱۴۳.....	تشکیل پرونده
۱۴۶.....	خبر خوب!
۱۴۸.....	همین امروز!
۱۵۰.....	ده روز مرخصی
۱۵۵.....	منجمد شدم
۱۵۷.....	روایت خلبان
۱۵۸.....	چه بوی خوبی!
۱۶۳.....	فصل دوم: به روایت همسر
۱۶۵.....	به دنبال سرنوشت
۱۷۰.....	جعبه ای پر از جواهرات

دست تقدیر ۱۷۳

مراسم عقد ۱۷۹

شرایط جدید ۱۸۲

زندگی در خرمشهر ۱۸۴

گروه مشکوک ۱۹۰

انتقال به تهران ۱۹۲

جنگ و زندگی ۱۹۵

تولد حمزه ۱۹۷

شرمنده شدم ۲۰۱

مجنن بوا ۲۰۹

خاندان محمد ۲۱۰

محمد بنان ۲۱۳

فصل سوم: روزنویس ها ۲۱۷

فصل چهارم: مصاحبه ها و یادداشت ها ۲۵۵

مصاحبه‌ی اول ۲۵۷

مصاحبه‌ی دوم ۲۶۲

یادداشت شماره ۱ ۲۷۶

یادداشت شماره ۲ ۲۷۷

وصیت نامه‌ی شهید سید محمد علی جهان آرا ۲۸۱

فصل پنجم: اسناد و تصاویر ۲۸۱

یادداشت مؤلف:

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام و صلوات خدا بر پیامبر اعظم و خاندان جواهر وجودش؛ و سلام و درود بی پایان بر خمینی عزیز، آن منادی عشق و ایمان و آن معشوق تا ابد جاویدان.

بان ۱۷، کتابی که با سرکار خانم «صغری اکبرنژاد» همسر شهید «سید محمد علی جهان آرا» همراهی داشته‌ام، تصور نمی‌کردم که یک سال بعد، کتابی با کیفیت حاضر آمده شود، اما به لطف خداوند متعال و عنایت شهید جهان آرا این اتفاق رقم خورد. خانم اکبرنژاد، رساله سال ۱۳۷۷ مصاحبه‌ای کوتاه با جنابان بهبودی و سرهنگی انجام دادند که در دو هفته‌ای «کمان» منتشر شد. اوایل دهه ۸۰ این مصاحبه در قالب کتابی مجمل روزه‌ی باز نشر گردید. منبع تمامی روایت‌هایی که از خانم اکبرنژاد در روزنامه‌ها، مجلات، ریشه‌نامه‌های مختلف با موضوع شهید جهان آرا چاپ شده، باز نشری است از همان مصاحبه سال ۷۷. زمانی که با پی‌گیری‌های ما حاضر به انجام مصاحبه شدند، از ایشان پرسیدم: «چرا از شما به غیر از یک مصاحبه، مطلب دیگری در دسترس نیست و با جاء دیگری گفتگو نکردید؟» جواب دادند: «شاید پانزده سال قبل، از مجموعه‌ی روایت‌ها، پنج برای گفتگویی مفصل آمدند و حتی یک جلسه هم برگزار شد؛ ولی به موردی برخوردیم که اصلاً به مذاقم خوش نیامد و همان‌جا قطع همکاری‌ام را به مدیر گروه مربوطه اعلام کردم و تصمیم گرفتم که دیگر با هیچ کجا صحبت نکنم. الان هم نمی‌دانم چرا و به چه دلیل آمده‌ام با شما صحبت کنم!» به هر ترتیب، ده ساعت بیان خاطرات طی دو جلسه در ۳۰ آبان و ۷ آذر ۹۷ حاصل گفتگویم با ایشان شد که در فصل «به روایت همسر» همین کتاب تنظیم و تدوین گردید.

از آن‌جا که تا به حال کتاب قابل توجهی با موضوع شهید جهان آرا به زیور طبع

آراسته نشده (اگر هم شده، ما از آن بی اطلاعیم) بعد از مصاحبه با خانم اکبرنژاد، یاعلی گفتم و تصمیم گرفتم با هم‌رزمان شهید جهان‌آرا نیز گفتگوهایی انجام شود. «مهدی شهبازی» را مأمور این کار کردم. ۵ دی ۹۷ اولین مصاحبه انجام و پس از هفت ماه، در ۲۰ مرداد ۹۸ نقطه‌ی آن گذاشته شد. این کتاب حاصل شصت و چهار ساعت مصاحبه با بیست و دو نفر از دوستان و هم‌رزمان و دو خواهر شهید جهان‌آرا است که به هم قابل ستایش شهبازی پای کار آمدند. بودند کسانی که برای اولین بار رخنه‌های پی‌گیری‌های متواتر شهبازی حاضر به گفتگو شدند. برای نمونه، روزی که او برای انجام مصاحبه با «عبدالوهاب خاطری‌زاده» رفت، از ایشان شنید: «من هرچه شما تمسک می‌رفتید، به نحوی از زیر بار مصاحبه فرار می‌کردم. تا این‌که امروز صبح جهان‌آرا به سراغ من آمد و با گلایه گفت حالا دیگر نمی‌خواهی درباره‌ی من صحبت کنی؟ این مسئله بلافاصله تماس گرفتم و قرار مصاحبه گذاشتم.» به نوبه‌ی خود از تمامی این بزرگواران که ما را از تهیه‌ی این اثر یاری کردند، کمال تشکر را دارم.

و بودند کسانی که هرچه تلاش کریم، آن‌ها صحبت نکنیم، با بهانه‌های مختلف حاضر به همکاری نشدند و توفیق از کف‌شان رفت؛ آقایان احمد فروزنده، محمد فروزنده، مهدی کیانی، سیدرسول بحرالدین، عبداللّه نورانی، نبی‌الله کوروش‌نیا، محمدحسین جهان‌آرا.

کتاب پیش‌رو پنج فصل دارد. فصل اول که به روایت هم‌رزمان و دوستان و خانواده‌ی شهید جهان‌آرا است، شامل مقاطع ولادت، نوجوانی، مبارات قبل از انقلاب می‌باشد و هم‌چنین توضیحاتی را پیرامون گروه حزب‌الله و حضور آن در پیروزی انقلاب و حوادث پس از آن به خصوص غائله‌ی خلق عرب، ناامنی‌های قبل از جنگ، آغاز جنگ و مقاومت چهل و چهار روزه‌ی مدافعین خرمشهر، اتفاقات پس از سقوط خرمشهر و روایت شهادت در برمی‌گیرد.

فصل دوم، روایت خانم اکبرنژاد، همسر شهید جهان‌آرا است که به تفصیل درباره‌ی زندگی خود، ازدواج با جهان‌آرا، آغاز زندگی مشترک، هجرت به خرمشهر،

رجعت به تهران و حوادث و اتفاقات این مقطع زمانی تا شهادت جهان‌آرا روایاتی را بیان کرده است.

از شهید جهان‌آرا دست‌نویس‌هایی در قالب یک سررسید به جا مانده است. وی از ۵ دی‌ماه ۱۳۵۹ تصمیم به درج گزارشات روزمره‌ی خود گرفته و تقریباً تا یک ماه این کار را ادامه داده و در ۶ بهمن ۵۹ آخرین مشاهداتش را نوشته است. جهان‌آرا در ۵ مهر ۱۳۶۰، به عبارتی هشت ماه بعد از آخرین روزنویسی‌اش به شهادت می‌رسد. این‌که چرا نوشتن را خیلی زود متوقف کرده، مشخص نیست. در اصل سررسید هم، پارگی و بریدگی صفحات وجود ندارد که بتوان احتمال داد کسی یا کسانی گزارشات بعد از تاریخ بریده‌اند. به هر حال، در همین یک ماه، او مطالب ناب و قابل تأملی در باب روند جنگ و اتفاقاتی که پیرامونش رخ داده، درج کرده که بدون کم و کاست و با اندک ویرایش، فصل سوم کتاب را در برمی‌گیرد.

در سال ۱۳۶۰، ماه اسفند، تلویزیونی با حضور «مهدی کیانی» فرمانده وقت سپاه آبادان، حجة الاسلام «عراقی حاکم شرع و رئیس دادگاه انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر»، «تیزمغر» دادستان آنک، «اب اسلامی آبادان» و «سیدمحمدعلی جهان‌آرا» فرمانده سپاه خرمشهر، پیرامون تحرکات و اقدامات، خرابکارانه‌ی گروهک «مجاهدین خلق» موسوم به «منافقین» در واحد تبلیغات سپاه آبادان برگزار شده است. در این میزگرد، هریک از حضار به بیان مطالب خود درباره‌ی منافقین می‌پردازند. نوبت به جهان‌آرا که می‌رسد، او صحبت‌هایش را از سیر تحولات خرمشهر پس از پیروزی انقلاب اسلامی شروع کرده و در انتها به موضوع منافقین می‌پردازد. در ۵ مهرماه ۱۳۶۰ نیز گفت‌وگویی رادیویی طی جلسه با شهید جهان‌آرا صورت گرفته است. متن کامل این دو جلسه به همراه معدود دست‌نوشته‌های پراکنده و وصیت‌نامه‌ی شهید جهان‌آرا، فصل چهارم کتاب را شکل داده است.

فصل پنجم و انتهایی کتاب نیز مروری است بر اسناد و مدارک و تصاویر به جا مانده از جهان‌آرا و برخی یاران شهیدش.

بر خود لازم می‌دانم مراتب سپاس و قدردانی خود را از تمامی کسانی که در

شکل‌گیری و تولید این اثر دخیل بوده و حقیر را یاری نموده‌اند، داشته و توفیق روزافزون‌شان را از خدای متعال خواستارم: آقایان مرتضی گلابی (مسئول روابط عمومی هیئت رزمندگان خرمشهر)، حسین ثالثی، سیدحشمت‌الله اکبری، منصور فروزنده، سیدعباس بحرالعلومی فر، عبدالوهاب خاطری زاده و سمیه دهقان زاده. این اثر ادعای بی‌عیبی ندارد؛ پس نواقص آن را با بزرگواری خود بر ما ببخشید. ان شاء الله این تدک، مورد رضای خداوند غفار قرار گرفته و ما را مشمول الطاف رحیمیه خویش قرار دهد و در پرتو جد بزرگوار شهید سیدمحمدعلی جهان‌آرا به سرمنزله مقصود رسیده و اشهادت، عاقبت به خیرمان کند.

و من الله توفیق
علی اکبری مزدآبادی
۳ دی ۱۳۹۸
ان شاء الله بالقدس